

جلسه نگارش به مثابه سلوک

نظام سایه‌ها . جلسه ۶۲

محمدجواد قدوسی. ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶

همین طور که نشسته اید تصور کنید جایی هستید که اگر کسانی هستند با شما کاری ندارند یا تنها در یک اتاق تنها یا یک مترو شلوغ ولی به شما توجهی ندارند یا توی خیابان دارید راه میرید که خیابون خلوت و زندگی روز مره در جریان در این حال مثل سرابی که یکدفعه از جلوی چشم آدم محو میشه همه آنچه که با چشم مبینید و براتون آشناست غروب میکنه همه چی از جلوی چشم میره کنار تمام آنچه که آشنایید آرزوهایی که دارید همه اینها یکدفعه محو میشه مثل یه سایه ای که سایه باز و ن رو بازی میکنه و یکدفعه نور عوض میشه و شما سایه باز رو مبینید شکل واقعی رو مبینید و متوجه میشید که همه اینها سایه بوده همه آدمها که تلاش زیادی میکردند که به آرزوهای زیادی دست پیدا کنند اونها سایه بودند ایده هایی داشتند که بهش برسند و افتخار کنند سایه بوده چیزهایی که عمیقا شما رو خوشحال میکرد چیزهایی که عمیقا شما رو ناراحت میکرد همه مثل ابرهایی که پراکنده میشه مثل مه یا مثل سراب غروب میکنه همه سایه بوده و شما با صاحب سایه مواجه اید اون چیزهایی که آرزوهای بزرگ داشت بهش برسید یا دیگران داشتند ه بهش برسند چیزهایی که بهش افتخار میکردیم چیزهایی که عمیقا مایوسمون میکرد ناگهان میفهمیم همه اونها سایه بوده و حقیقت چیز دیگه ای هست این سایه ی اون حقیقته نه صدایی برای شنیدن داره نه گوشه که صدا رو بشنوه نه چیزی برای دیدن داره نه چشمی که اونو ببینسایه ها پرده پرده محو میشن و شما اصلش رو مبینی مواجه با اون اون ؟ (سکوت)

اون چیزهایی که قلبا میخواستین اون چیزهایی که بهش بی اعتنا بودید این بی اعتنایی هم سایه است کم کم با کنار رفتن پرده ها مبینید خودتون هم سایه اید فکر ذهن تحلیل نتیجه استدلال همه اینها سایه است همه رنگشون رو از دست میدن فقط چیزی در مقابل شماست دارید چیزی رو مشاهده میکنید چی مورد مشاهده است کم کم مشاهده رو ادامه میدیم بر این توجه میکنید کی داره مشاهده میکنه بیننده کیه ؟ پشت نظام سایه ها یک چیزی برای مشاهده دیده شده و هر مشاهده کننده ای داره همونو ادامه میده کی داره مشاهده میکنه اگر میشه توصیف تون و از مشاهده کننده بنویسید.